



University of Science and Quranic Knowledge
Tehran faculty of Quranic Sciences

Received: 2021-10-19

Accepted: 2021-11-27

 olomquran.ir/article_190666.html

 [10.22034/CSQ.2023.190666](https://doi.org/10.22034/CSQ.2023.190666)

Type of article: researching

Examining the interpretive differences between Shiites and Sunnis about the legislative verses on marriage

Ali Ghazanfari¹

Fatemeh Ardestani²

Zahra Ghorbankhani³

Abstract

Considering the interpretive differences that exist about the "verses of the rules of marriage" in the view of Shiite and Sunni commentators, the present article is based on the question about the examples of interpretive differences about marriage with a comparative approach. The "verses of the rules of marriage" have discussed the legitimacy, prohibitions and requirements of marriage, and in each of these issues, there are several differences. This research is based on descriptive method and data collection is based on library method. The findings of this study show that in the discussion of legitimacy, Shiite and Sunni commentators differ in the permission of temporary marriage, so that Shiite commentators believe in the permission and most Sunnis believe in the impermissibility of temporary marriage. In the prohibitions of marriage, views on the creation of the womb through illicit intercourse and marriage with women of the Book differ. There is a difference in the supplies and functions of marriage, the issues of dowry and

1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quranic Sciences and Education, Tehran, Iran. ali@qazanfari.net

2. PhD student, majoring in jurisprudence and basics of law, University of Islamic Religions and students level 4, field of comparative interpretation, Qassem Bin Al-Hassan Institute of Higher Education, Tehran, Iran, (Corresponding Author). Ardestani20@yahoo.co

3. Level 4 student, Comparative Interpretation, Qassem Ibn Al-Hassan Institute of Higher Education, Tehran, Iran. szahraghorbankhani8895@yahoo.com.





University of Science and Quranic Knowledge
Tehran faculty of Quranic Sciences

Received: 2021-10-19

Accepted: 2021-11-27

 olomquran.ir/article_190666.html

 10.22034/CSQ.2023.190666

Type of article: researching

its amount, the payment of expenses and alimony, as well as the issue of looking, especially looking at a girl with whom he intends to marry, and some of the rules of intercourse.

Key words: Verses of the rules of marriage, interpretation, jurisprudence, sects

ISSN: 2476-5317
EISSN: 2676-3044

The eighth year

Second number

Consecutive 16

Autumn & Winter

2023-2024

P 90-113



◆ How to cite: Ghazanfari, Ali, Ghorbankhani, Zahra, Ardestani, Fatemeh(1402): "Examining the Exegetical Differences of the Two Schools of Thought on the Legislative Verses of Marriage", Comparative Interpretation Studies, 8(16), 88-111. , DOI:10.22034/CSQ.2023.190666



is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



دانشگاه علوم و معارف تهرآن کریم
دفتر مطالعات تطبیقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

olomquran.ir/article_190666.html

10.22034/CSQ.2023.190666

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی اختلافات تفسیری فریقین درباره آیات تشریحی حوزه نکاح

علی غضنفری^۱

فاطمه اردستانی^۲

زهرا قربانخانی^۳

چکیده

با توجه به اختلافات تفسیری که در حوزه آیات الأحکام نکاح در دیدگاه فریقین وجود دارد، مقاله‌ی پیش رو بر اساس پرسش پیرامون مصادیق اختلافات تفسیری در حوزه‌ی مذکور با رویکرد تطبیقی سامان یافته است. آیات الأحکام نکاح حول محورهای مشروعیت، محرمت و لوازم و توابع آن احصاء می‌شوند و در هر یک از محورها و موضوعات مذکور، اختلافات متعددی نیز قابل دستیابی است. این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات، بر اساس روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بحث مشروعیت، فریقین در جواز ازدواج موقت اختلاف دارند، به طوری که امامیه قائل به جواز و معظم اهل سنت قائل به عدم جواز آن می‌باشند. در محرمت نکاح، دیدگاه‌های مربوط به ایجاد رحم از طریق وطی نامشروع و ازدواج با زنان اهل کتاب متفاوت است و در لوازم و توابع نکاح، مباحث مهریه و مقدار آن، پرداخت متاع و نفقه و همچنین موضوع نگاه، خصوصاً نگاه به مخطوبه و برخی از احکام وطی، اختلافی است.

واژگان کلیدی: آیات الأحکام، نکاح، تفسیر، فقه، فریقین، تطبیقی.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران. ali@qazanfari.net

۲. دانش‌آموخته مقطع دکتری، رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه مذاهب اسلامی و طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی قاسم بن الحسن علیه السلام، تهران، ایران، (نویسنده مسؤول).
Ardestani20@yahoo.com

۳. طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی قاسم بن الحسن علیه السلام، تهران، ایران.
szahraghorbankhani8895@yahoo.com

ISSN: 2476-5317
EISSN: 2676-3044

سال هشتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

ص ۸۸ تا ۱۱۱



◆ استناد به این مقاله: غضنفری، علی، قربان خانی، زهرا، اردستانی، فاطمه (۱۴۰۲): «بررسی اختلافات تفسیری فریقین درباره آیات تشریحی حوزه نکاح»، مجله مطالعات تفسیر تطبیقی، ۸(۱۶)، ۱۱۱ - ۸۸،

DOI:10.22034/CSQ.2023.190666

مقدمه

تفسیر آیات الأحکام از نوع تفاسیر موضوعی و اجتهادی است و مبانی فقهی و رویکرد مذهبی مفسر در استفاده از منابع اجتهاد یعنی سنت، اجماع، عقل و ... در کنار توجه به شأن نزول، مفردات، سیاق آیات و ... در آن تأثیرگذار است. بنابراین محلی برای تضارب آراء تفسیری - فقهی به شمار می‌رود. بررسی تطبیقی می‌تواند، جایگاه‌های اختلافی را نمایان سازد. مسئله‌ای که در این جا وجود دارد، امکان بروز اختلافات تفسیری در تفاسیر فریقین است؛ که مقصود از فریقین در نوشتار حاضر، صرفاً مذهب امامیه از شیعه و چهار مذهب رسمی اهل سنت است. در نتیجه‌ی این بررسی می‌توان، با تحلیل علل اختلاف به حل یا پذیرش اختلافات منتهی شده رسید و بدین وسیله، به تقریب مذاهب اسلامی کمک نمود. در نتیجه، بررسی اختلافات تفسیری آیات تشریحی نکاح ضرورت می‌یابد. مجموعه آیات تشریحی نکاح در سه عنوان مشروعیت، محرمت و لوازم نکاح قابل پیگیری هستند و تحقیق حاضر، صرفاً آیات مشتمل بر اختلافات اعم از جزئی و کلی را بر اساس روش توصیفی - تحلیلی مورد تبیین و بررسی قرار داده است.

۱- تعریف مفاهیم

نکاح از ماده «نکح» در لغت به معنای آمیزش یا به معنای عقد است (جوهری، ۱۴۰۷: ۴۱۳/۱؛ موصلی، ۱۳۶۴: ۱۱۴/۱). نکاح قرارداد و اعتباری است که ریشه در زمان نخستین انسان‌ها داشته و عامل طبیعی تداوم نسل آدمی است. این اعتبار از سوی ادیان الهی مورد پذیرش و ترغیب قرار گرفته، جز آن‌که دین در بسیاری از موارد بر احکام حاکم بر آن صحنه گزارده و برخی را رد نموده و احکام و قوانین دیگری را برای آن تشریح نموده است. مجموعه قوانین حاکم بر نکاح در اسلام، از متن قرآن کریم با عنوان آیات الأحکام نکاح قابل دریافت است که جزئیات آن در سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم تبیین شده است. «آیات» جمع «آیه» به معنی علامت و نشانه‌ی آشکار است که فقراتی از قرآن کریم می‌باشد. همچنین کلمه‌ی «احکام» جمع «حکم» و به معنای قضاء، منع و ... بوده که انشاء یک امر تکلیفی یا وضعی از سوی شارع است، به طوری که اقتضاء یا رخصت در انجام یا ترک

آن داشته و یا اثری بر آن مترتب باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۶۲/۱۴؛ رازی، ۱۴۰۴: ۱۲/۹؛ فاروقی، ۱۹۹۱: ۲۲/۸؛ قلجی، ۱۴۰۸: ۱۸۴) و مقصود از «آیات الأحکام»، آیاتی هستند که فقهاء آن‌ها را برای استنباط حکم شرعی به کار می‌گیرند (فاکر میبدی، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۷) و علماء اسلامی در مذاهب مختلف امامیه و اهل سنت با کمک روایات به تفسیر آن‌ها پرداخته‌اند.

۲- اختلافات تفسیری در آیات نکاح

در بخش اول، به اختلافات آراء مفسرین فریقین در تفاسیرشان در باب مسئله نکاح، ذیل آیات مورد بحث، پرداخته می‌شود. این اختلافات در مشروعیت حکم متعه، تعیین مصادیق محرمات نکاح و مباحث حول متعلقات نکاح، مشاهده می‌گردد. در ادامه به تفصیل به این اختلاف آراء تفسیری پرداخته خواهد شد.

۲-۱- اختلاف در مشروعیت

نکاح، پدیده‌ای جدید در حوزه شرع اسلام نبوده و از جانب دین اسلام وضع نشده است، بلکه با نقش نظارتی و وضع موانع و قوانین جدید، این عنوان را امضا و برای آن چارچوبی تعیین نموده است. آیات دال بر مشروعیت نکاح، امضاء و تأیید فعل جاری در عرف با رعایت حدود تعیین شده از جانب شرع می‌باشند. مهم‌ترین موضع اختلاف میان فریقین در مجموع آیات تشریحی نکاح، مسئله ازدواج موقت است که از این آیه قابل دریافت است: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَلَهُنَّ أَجُورُهُنَّ فَرِيضَةً﴾ (نساء/۲۴)؛ پس چنانچه از آنها بهره‌مند شوید آن مهر معین که حق آنهاست به آنان بپردازید.»

امامیه و جمهور اهل سنت قائل به نزول این آیه در تشریح و جواز ازدواج موقت یا متعه هستند. البته قول مخالف نیز در اهل سنت وجود دارد و حکم آن را بر طبق برخی روایات منقول از برخی صحابه منسوخ می‌دانند. از «ابن عباس» نقل شده که متعه از صدر اسلام بوده و آیه فوق به این صورت قرائت می‌شده است: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَلَهُنَّ أَجُورُهُنَّ فَرِيضَةً إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾؛ این قرائت با نقل‌های متعدد و با مضامین واحد در بسیاری از کتب تفسیری فریقین وجود دارد (طبری، ۱۴۱۲: ۹/۵؛ دمشقی، ۱۴۱۹: ۲۲۶/۲؛ سیوطی، بی تا: ۱۴۰/۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۳۴/۱). اختلاف اساسی مربوط به تداوم حکم آیه است که امامیه حکم جواز را همچنان جاری دانسته، ولی اهل سنت معتقدند که حکم متعه و آیه آن نسخ گردیده است.

۱. عبارت «إلى أجل مُّسَمًّى» از نوع تفاسیر مزجی است که برای شرح و توضیح جمله قبل آورده شده و از رسول اکرم ﷺ صادر گردیده است. (عاملی، ۱۴۲۳: ۶۴-۶۳)

قول به عدم مشروعیت با دو دلیل عمده مطرح شده که دلیل اول؛ عدم دلالت آیه بر تشریح متعه است و از طریق اختصاص دادن آیه به نکاح دائم، تبیین شده است. دلیل دوم؛ دلالت آیه بر مشروعیت آن و سپس نسخ حکم آن می باشد.

دلیل اول: یعنی اختصاص آیه مذکور به نکاح دائم از طریق روایات، قرائن لفظی و لفظ «استمتاع» توجیه می شود. روایات متعددی در کتب فریقین نقل شده که حاکی از ارتباط تام آیه با نکاح دائم است، اما عموماً دارای اسناد ضعیف می باشند (طبری، ۱۴۱۲: ۹/۵؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۲/۵۶۵).

از طرف دیگر، واژه «محصنین» با مفهوم ازدواج و عبارت «غیر مسافحین» با استدلال به اشتراک سفح و هدر دادن منی در زنا و متعه، به عنوان قرائن لفظی آیه، می توانند قول به دلالت آیه بر نکاح دائم را موجه سازند (جصاص، ۱۴۰۵: ۳/۹۷). البته این قرائن و دلایل نیز قابل استدلال نیستند، زیرا مراد از احسان در این آیه، عفت است نه احسان به معنای ازدواج که موجب ثبوت رجم می شود و عبارت «غیر مسافحین» مؤید این معناست، ضمن آن که اگر منظور از احسان، تزویج باشد، آیه شامل ملک یمین نمی گردد، چون احسان تزویج و رجم در آن محقق نیست؛ درحالی که کلمه «ما» در ﴿وَاجِلٌ لَّكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ﴾ شامل نکاح دائم و ملک یمین است و بر فرض تسلیم بر مدعای اول، برخی قائل به تحقق احسان با متعه نیز می باشند (بغوی، ۱۴۲۰: ۱/۵۹۵؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱/۱۸۷؛ سیوری، ۱۴۱۹: ۲/۱۵۰). استدلال به کلمه «استمتاع» با معنای لغوی تلذذ نیز به مفهوم پرداخت کل مهریه، در مقابل صرف عقد و تلذذ کلی است که چنین مفهومی صحیح نمی باشد و کل مهریه فقط در صورت وطی کامل اعطاء می شود؛ ضمن آن که این لفظ، به عنوان لفظ شرعی در زمان پیامبر ﷺ استعمال می گردید و به متعه عمل می شد (قرطبی، ۱۳۶۴: ۵/۱۳۰-۱۲۹؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ۲/۳۰۵؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۳۶؛ عاملی، ۱۴۲۳: ۱/۶۴-۶۳).

دلیل دوم: در توجیه قول به عدم مشروعیت با استناد به نسخ آیه، از سه طریق اجماع، آیات قرآن و سنت می توان بحث را تبیین نمود. مسئله نسخ مهم ترین دلیل مخالفین متعه بوده و اثبات آن از طریق سنت، از اهمیت بیشتری برخوردار است. با توجه به این که از دیدگاه عامه، هم سنت پیامبر ﷺ و هم سنت صحابه از حجیت برخوردار است، منظور از سنت در این جا، اعم از روش و دستورات نبوی و صحابی است.

روایات متعددی منسوب به رسول اکرم ﷺ درباره نسخ آیه متعه و نهی از انجام آن در کتب حدیثی اهل سنت وجود دارد که از جمله آنها روایت ذیل است:

«یحیی بن یحیی با واسطه از علی بن ابی طالب نقل نموده است: رسول الله ﷺ در روز خیبر، از متعه زنان و از خوردن گوشت حمار غیر وحشی نهی نمود.» (قشیری نیشابوری، بی تا: ۶۳/۶)

این روایت، زمان نهی از متعه را در روز خیبر و سایر روایات این زمان را در حجة الوداع، در جنگ حنین، در جنگ اوطاس و ... بیان نموده‌اند. بررسی این روایات، به وضوح نشان می‌دهد که در تعیین زمان نسخ با یکدیگر متعارضند، ضمن آن که مهم‌ترین روایت در این باب از حضرت علی ﷺ نقل گردیده است که قابل تشکیک و طرد می‌باشد، زیرا به اذعان شیعه و اهل سنت، آن حضرت ﷺ قائل به نسخ متعه نبوده و سیره ایشان و اهل بیت (علیهم السلام) گویای آن است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۵۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴۱/۱۰). علاوه بر ایشان، تعداد زیادی از صحابه و تابعین از جمله «ابن عباس»، «جابر بن عبدالله انصاری»، «معاویه بن ابی سفیان»، «زبیر بن عوام قرشی»، «ابی بن کعب انصاری»، «سعید بن جبیر»، «سدی» و ... قائل به عدم نسخ متعه، توسط رسول اکرم ﷺ بوده‌اند (امینی، ۱۳۵۳: ۱۹۳/۶).

آنچه در دیدگاه نسخ متعه از طریق سنت از اتقان بیشتری برخوردار است، نسخ آن توسط صحابی، یعنی «عمر بن خطاب» می‌باشد. روایاتی با اسناد متعدد وجود دارند که تحریم متعه را منسوب به خلیفه دوم دانسته‌اند و شخص خلیفه هم در مواضع مختلفی این نسخ را به خود نسبت داده که بارزترین سخن وی در این زمینه، روایت مشهور ذیل است:

﴿مُتَعَتَانِ كَاتَا عَلِيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا مُحَرَّمُهُمَا وَمُعَاقِبٌ عَلَيْهِمَا، مُتَعَةُ الْحَجِّ وَمُتَعَةُ النِّسَاءِ﴾ دو متعه در زمان رسول الله بودند که من آنها را حرام نموده و مرتکب آنها را عقاب می‌کنم، یکی متعه حج و دیگری متعه زنان. «این روایت به اشکال متعدد نقل شده است (شیبانی، بی تا: ۳۲۵/۳؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۱۵۸/۵).

برخی عقیده دارند که متعه را پیامبر اکرم ﷺ خود در اواخر عمر ممنوع کرده بود و منع خلیفه دوم در واقع اعلام ممنوعیت آن حضرت ﷺ بوده است. به هر صورت، تحریم وی به هر دلیلی که بوده، از جمله: روحیه سختگیرانه خلیفه و همچنین حمل حکم وی بر یک فرمان موقت حکومتی، دستور او را اجرا نمودند که به مرور زمان در میان اهل سنت، باعث تبدیل سیره وی به سنت ثابت شده است و مورد پیروی قرار گرفت (مطهری، ۱۳۸۱: ۶۷).

بنابراین با توجه به آنچه بیان گردید از دیدگاه بزرگان اهل تسنن، متعه به دلائل مختلف محکوم به حرمت است، اما از نظر امامیه، مشروع بوده و حکم حلیت آن همواره ادامه دارد.

۲-۲- اختلاف در محرمات

منظور از محرمات نکاح در قرآن، عناوینی هستند که حیطةی حرمت در نکاح را تعیین می‌کنند، بنابراین موارد خارج از آنها، محکوم به جواز می‌باشند. محرمات نکاح در دو عنوان محرمات ناشی از قرابت و غیر قرابت، قابل تبیین هستند.

محرمات ناشی از قرابت مسبب از نسب، رضاع و سبب هستند که از آیات ۲۲ و ۲۳ سوره‌ی نساء دریافت می‌شوند: ﴿...حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَ...﴾ حرام شد بر شما (ازدواج با) مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر و...»

۲-۲-۱- محرمات نسبی

محرمات نسبی شامل: مادر و طبقات قبل از آن، دختر و طبقات بعد از آن، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر اعم از پدری یا مادری و یا هر دو و موارد با واسطه و بی واسطه است. ازدواج با اقسام هفتگانه مذکور به واسطه نسب و رحم به اتفاق فریقین حرام بوده و تحریم آنها ابدی می‌باشد و از نظر بسیاری از فقهاء و مفسرین، این حکم در رحم ایجاد شده، از طریق غیر شرعی نیز جاری است، اما قول مخالف نیز خصوصاً در اهل سنت وجود دارد (رازی، همان: ۲۲/۱۰؛ کاظمی، ۱۳۶۵: ۱۳/۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۳۱۰؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۳/۱۷۵).

در بحث رضاع، بر اساس روایت منقول از رسول اکرم ﷺ که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَرَّمَ مِنَ الرِّضَاعَةِ مَا حَرَّمَ مِنَ النَّسَبِ؛ همانا خداوند آنچه را در نسب حرام نموده، در رضاع نیز حرام کرده است.»

تمام کسانی که از طریق نسب به انسان محرم می‌شوند، از طریق رضاع نیز محرم می‌گردند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۴/۳۶۶؛ شببانی، همان: ۱/۲۷۵).

۲-۲-۲- محرمات سببی

در محرمات سببی، حرمت به دو صورت ابدی و یا موقت است که موارد تحریم ابدی شامل: مادر زوجه، دختر زوجه، زوجه پسر و زوجه پدر می‌شود. تحریم موقت مربوط به ازدواج همزمان با دو خواهر است. مذهب امامیه، مطلقاً با احراز عقد، قائل به حرمت مادر زوجه بر زوج بوده و این دیدگاه جمهور اهل سنت نیز می‌باشد، اما دختر زوجه بر زوج فقط با وطی حرام می‌شود و صرف عقد موجب حرمت نمی‌گردد (رازی، همان: ۱۰/۲۷-۲۹؛ کاظمی، همان: ۳/۲۲۴-۲۲۳؛ مقدسی، بی تا: ۷/۴۷۲؛ نجفی، بی تا: ۲۹/۳۵۲). نکته دیگر این که، بسیاری از علمای امامیه قائل به حرمت مصاهره از طریق زنا نیز شده‌اند که در نتیجه آن؛

زنا با مادر، موجب حرمت ابدی دختر او می‌شود. احناف نیز قائلند کسی که با زنی زنا کند یا او را با شهوت لمس نماید و ...، اصول و فروع آن زن بر او حرام می‌شوند (نجفی، همان: ۳۹۸-۳۶۷؛ مصری، ۱۴۱۸: ۳/۱۷۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۴/۳۱۴).

حرمت نکاح با زوجه پسر نیز به مجرد عقد حاصل می‌شود و از دیدگاه بسیاری از امامیه و برخی از اهل سنت، این حرمت شامل کنیز پسر هم می‌گردد (حلی، ۱۴۱۳: ۵/۳۳-۳۲؛ کاظمی، همان: ۳/۲۳۱؛ رازی، همان: ۱۰/۳۰-۲۹).

در مورد عدم جواز نکاح با زوجه پدر و جدّ (نکاح مَقْت) نیز به طور کلی اتفاق نظر وجود دارد، اما اختلاف بر سر انحصار حکم حرمت مسبب از وطی مشروع و یا مطلق وطی چه با عقد و چه بدون عقد است که این اختلاف با توجه به معانی دوگانه نکاح ظهور یافته است؛ به عبارت بهتر، حکم حرمت ناشی از وطی شرعی، بر اساس معنای عقد برای لفظ نکاح و حکم حرمت مطلق، بر اساس معنای وطی برای این کلمه است که به ترتیب، بسیاری از امامیه، مالکیه و شافعیه؛ قائل به دیدگاه اول و اکثر امامیه و حنفیه قائل به دیدگاه دوم هستند (موسوی، ۱۴۰۶: ۲۶۷؛ سائیس، بی تا: ۲۵۰-۲۴۹؛ اصبحی، بی تا: ۲/۵۳۴-۵۳۳؛ شافعی، بی تا: ۵/۱۶۴؛ طوسی، همان: ۵/۳۰۶؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ۴/۲۰۵).

به جز موارد مذکور در تحریم ابدی، تحریم موقت مربوط به ازدواج همزمان با دو خواهر است، اما اگر با یکی ازدواج کند و سپس او را طلاق دهد یا آن زن بمیرد، می‌تواند با خواهر دیگر ازدواج نماید. جمع بین دو خواهر شامل جمع بین آن دو در عقد و وطی در زنان آزاد و جمع بین آن دو در وطی در ملک یمین می‌شود و این نظر علمای امامیه و اکثر اهل سنت است، اما «مالک بن انس» جمع بین دو کنیز در وطی را مکروه می‌داند (کاظمی، همان: ۳/۲۳۳-۲۳۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۴۹۶).

۲-۲-۳- محرمات غیر نسبی و سببی

علاوه بر محرمات نکاح ناشی از قرابت نسبی، رضاعی و سببی، محرمات ناشی از غیر قرابت نیز وجود دارد که از عناوین مورد بحث فریقین است و اسباب اختلافی آن عبارت از کفر، احسان و زنا می‌باشد.

۲-۲-۳-۱- کفر

کفر یکی از اسباب عمده در تحریم نکاح است و مذاهب اسلامی نسبت به حرمت ازدواج مسلمان با زن مشرک و زن کافر غیر کتابی اتفاق نظر دارند، اما در حکم ازدواج با زنان اهل کتاب دو دیدگاه وجود دارد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۰۶/۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱/۳۳۳). مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت و بسیاری از علماء امامیه، قائل به جواز

ازدواج مسلمانان با زنان اهل کتاب از یهودی و مسیحی هستند (شافعی، همان: ۵۲/۵؛ سرخسی، همان: ۱۴۰۶: ۳۸.۵۰/۵؛ مقدسی، همان: ۵۰۰.۵۰۷/۷؛ نجفی، همان:

۳۱/۳۰). در اثبات این دیدگاه، علاوه بر روایات به آیه ذیل استناد شده است: ﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ... وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مِثْلَ أُجُورِ هُنَّ مِثْلَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ...﴾ (مائده/ ۵)؛ امروز هر چه پاکیزه است شما را حلال شد و ... حلال شد نکاح زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتی که شما اجرت و مهر آنان را بدهید و پاکدامن باشید نه زناکار و رفیق باز ...»

این آیه به طور کلی، ازدواج با زنان اهل کتاب را مباح می‌شمرد. کلمه «المُحْصَنَات» از ماده «حصن» به معنای منع و حفظ می‌باشد و محصن کسی است که محفوظ باشد. مفاهیم عفت، ازدواج، حریت و اسلام، به دلیل این‌که همگی باعث منع و حفظ انسان از فحشا می‌شوند، موجبات احسان بوده و فردی که متلبس به آنها باشد، محصن است. آنچه با فحوای این آیه سازگار است، معنای عفت است. زیرا در اکثر موارد این معنا در قرآن به کار رفته و حفظ وحدت سیاق و جواز نکاح با کنیز مسلمان آن را تقویت می‌کند، بنابراین با توجه به مفهوم عفت در کلمه «مُحْصَنَات»، آیه به طور صریح ازدواج با زنان عقیف اهل کتاب را تجویز می‌کند و ادعای نسخ آن توسط آیه ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ...﴾ (بقره/ ۲۲۱) مورد اشکال است، زیرا طبق نظر صحیح‌تر، این آیه زنان کتابی را شامل نمی‌شود،^۱ ضمن آن که سابق نمی‌تواند لاحق را نسخ کند، زیرا سوره بقره اولین سوره‌ای است که پس از هجرت در مدینه نازل شده و سوره مائده آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر ﷺ نازل یافته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۹۷؛ قرطبی، همان: ۶۸/ ۳؛ جباران، ۱۳۸۳: ۱۸۶. ۱۸۷). در مقابل قول به جواز، برخی از متقدمین امامیه، ازدواج با زن کتابی را ممنوع می‌دانند. این دسته از فقهاء به مستندات متعددی از آیات و مؤیدات روایی در این زمینه استدلال نموده‌اند؛ آیه ذیل به عنوان مهم‌ترین دلیل برای حرمت ازدواج با زنان کتابی اقامه شده است:

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا تُعْجِبُكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا تُعْجِبُكُمْ...﴾ (بقره/ ۲۲۱)؛ و با زنان مشرک ازدواج مکنید مگر آنکه ایمان آرند و همانا کنیزی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از (حسن و جمال) او به شگفت آید، و زن به مشرکان مدهید مگر آنکه ایمان آرند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است هر

۱. این آیه در ذیل دیدگاه جواز بررسی شده است.

چند از (مال و حسن) او به شگفت آید...»

استنباط دیدگاه حرمت و عدم جواز از آیه فوق در اصل از کلمه‌ی «مشرک» صورت گرفته است. با این بیان که، این کلمه شامل همه‌ی کفار، اعم از کافر ذمی، حربی و همچنین بت پرست و اهل کتاب می‌شود و با این تفسیر، بسیاری از علماء امامیه، ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی را حرام می‌دانند؛ به طوری که «سید مرتضی» بر این فتوی ادعای اجماع نموده است (موسوی، ۱۴۱۵: ۲۷۹؛ عکبری بغدادی، ۱۴۱۳: ۵۰۰).

۲-۳-۲- احسان (زن شوهردار)

دومین عامل اختلافی در حرمت نکاح از موارد غیر قرابت، ازدواج با زن محصنه یعنی زن شوهردار است که با استناد به سیاق و عطف، از آیه ذیل برداشت می‌شود: ﴿وَالْحَصْنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...﴾ (نساء/۲۴)؛ و نکاح زنان شوهردار نیز (برای شما حرام شد) مگر آن زنانی که (در جنگ‌های با کفار، به حکم خدا) متصرف شده‌اید.

در حکم این آیه اختلافی نیست جز آن‌که با توجه به استثنای موجود در آیه، ائمه چهارگانه اهل سنت و برخی از امامیه قائل به آن هستند که مسلمانان می‌توانند با زنان شوهرداری که از کفار اسیر شده‌اند، همبستر شوند، زیرا با قطع ارتباط آنان با شوهرانشان، در ردیف زنان بدون شوهر قرار می‌گیرند (قرطبی، همان: ۱۲۱/۵؛ کاظمی، همان: ۲۳۴/۳).

۲-۳-۳- رابطه‌ی نامشروع

سومین مورد از عوامل تحریم مورد اختلاف، حاصل از رابطه مرد و زن زناکار است و آیه ذیل به آن اشاره دارد: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور/۳)؛ مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک نمی‌کند و زن زانیه را هم جز مرد زانی و مشرک به نکاح نخواهد گرفت و این کار بر مردان مؤمن حرام است.

برخی از علماء امامیه و اهل سنت معتقدند در صورتی که زن و مرد، مشهور به زنا باشند جز با زناکار حق ازدواج ندارند، مگر این‌که حد بر آنها جاری شده و از کار زشت خود پشیمان گشته و توبه کنند؛ در مقابل مشهور فقهای امامیه و بسیاری از اهل سنت قائل به جواز ازدواج زن و مرد زناکار با افراد پاک و صالح می‌باشند (طباطبایی، همان: ۱۲۰/۲۹؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۲۱/۳۱۶-۳۱۷؛ زحیلی، بی‌تا: ۹/۶۶۴۸؛ نووی، بی‌تا: ۲۲۱/۱۶). البته به نظر می‌رسد که تفاوتی میان این دو دسته

سال هشتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

نیست، با این بیان که دیدگاه حرمت مربوط به زناکارانی است که شهرت به زنا دارند و حکم جواز، مربوط به غیر آنان است.

۲-۳- اختلاف در لوازم و امور متعلق به نکاح

منظور از لوازم نکاح، آن دسته از اموری هستند که با احراز علقه زوجیت، یکی از زوجین یا هر دو، مکلف به رعایت آن‌ها می‌باشند و منظور از امور متعلق به نکاح، مقدمات و توابعی هستند که به ترتیب قبل از ایجاد عقد نکاح و پس از آن در رابطه میان زوجین وجود دارد.

۲-۳-۱- مهریه

لوازم نکاح در قرآن، به دو دسته مالی و غیر مالی قابل تقسیم شده‌اند. لوازم مالی شامل: مهریه، متاع و نفقه است. لوازم غیر مالی، مربوط به اقامه حقوق زوجیت است. در بحث لوازم مالی، در موضوع مهریه، نسبت به مشروعیت و التزام زوج به آن، میان فریقین اتفاق نظر وجود دارد و در صورت چشم پوشی زوج از آن، در صورتی که از روی طیب نفس و رضایت خاطر باشد، زوج می‌تواند آن را تصرف نماید و آیه ذیل به تصریح به این بحث اشاره نموده است:

﴿وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّن لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا﴾ (نساء/ ۴)؛ و مهر زنان را در کمال رضایت به آنها بپردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند، از آن برخوردار شوید که شما را حلال و گوارا خواهد بود.»

نکته قابل تبیین در این جا آن است که مشهور امامیه، برخی از احناف و شافعی، معتقدند زوجه به صرف عقد، مالک همه مهریه می‌شود، اما ملکیت او متزلزل است و با وطی استقرار می‌یابد؛ دلیل اصلی این نظر، استناد به آیه مورد بحث است که در این آیه «صَدُقَات» به «هَنْ» اضافه شده که ظاهر در تعلق کل مهریه به زوجه است و فرقی بین قبل از وطی و بعد از آن گذاشته نشده است. ضمن آن که زوج مأمور به دادن کل مهریه به زوجه شده که دال بر تعلق کل آن به زوجه است (سبحانی، ۱۴۱۷: ۲۶۰/۲-۲۵۹؛ اندلسی، ۱۴۱۵: ۲۰/۲؛ شافعی، ۱۴۰۳: ۶۵/۵؛ سرخسی، همان، ۷۵/۵-۷۴). در مقابل این نظر، «مالک بن انس» معتقد است با عقد، نصف مهریه به تملیک زوجه در می‌آید و لذا اگر کل مهریه را دریافت کند، مالک نیمی از آن است و نیم دیگر آن در نزد او امانت می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۶۹/۴).

بحث مشروعیت در مقدار مهریه نیز طبق نظر برخی از مفسرین از آیه ذیل فهمیده می‌شود: ﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا أَفَلَا

تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا...» (نساء/۲۰)؛ و اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار نمایید و مال بسیار مهر او کرده‌اید نباید چیزی از مهر او بازگیرید...»
 در واقع عبارت «وَأَتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قَنْطَارًا» دال بر امکان افراط در مقدار مهریه بوده و بنابراین زیاده روی در مهریه حتی بیش از مهرالسنة جایز است. برخی از اهل سنت و اکثر امامیه قائل به این دیدگاه هستند (رازی، ۱۴۲۰: ۱۳/۸۰؛ کاظمی، همان : ۲۴۳/۳؛ سبحانی، همان: ۲/۱۸۵).

مطلب مهم دیگر در مورد مهریه، مرتبط با میزان تعلق آن به زوجه، با توجه به شرایط ایجاد شده پس از عقد نکاح است. با توجه به آیه «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ...» (نساء/۲۱)؛ و چگونه مهر آنان را خواهید گرفت در حالی که هر کدام به بهره خود رسیده‌اید...» و آیه «وَأَنْ تَلْقَتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ...» (بقره/۲۳۷)؛ و اگر زنهارا قبل از مباشرت با آنها طلاق دهید، در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته‌اید بایستی نصف مهری را که تعیین شده به آنها بدهید...»

اگر مهریه در زمان عقد برای زوجه تعیین شده باشد، در صورت «افضاء» و «مس» تمام مهریه متعلق به زوجه بوده و زوج نمی‌تواند چیزی از آن را بازگیرد و در غیر این صورت، نیمی از مهر المسمی به زوجه تعلق دارد و در صورت اخذ کل، نیم دیگر به زوج بازگردانده می‌شود. نکته اساسی در اینجا، تفسیر کلمات «افضاء» و «مس» است که میان فریقین در آن اختلاف وجود دارد؛ طبق دیدگاه مشهور امامیه و نظر مشهور «شافعی»، افضاء کنایه از جماع و وطی است، زیرا کلام به صورت تعجبی آمده که دال بر آن است که افضاء سبب قوی در ایجاد انس و الفت میان زن و شوهر بوده که همان جماع است، ضمن آن که متعدی شدن افضاء با «الی»، دلالت بر وصول و انتهای غایت دارد (کاظمی، همان: ۲۴۵/۳؛ سبحانی، همان: ۲۳۰/۲-۲۲۹؛ جصاص، همان: ۱۴۸/۲-۱۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/۴۵۳).

در مقابل این نظر، بر اساس دیدگاه «ابوحنیفه» و برخی از اصحابش، «احمد بن حنبل» و برخی از فقهای امامیه، افضاء به معنای خلوت است، گرچه مجامعت صورت نگیرد. این قول حاکی از سببیت خلوت است و از آنجا نشأت گرفته که در تفسیر کلمه «مس» در آیه دوم اختلاف وجود دارد. زیرا برخی معتقدند، مراد از مس، خلوت است؛ بنابراین در صورت تحقق خلوت صحیح، کل مهریه برای زوجه مستقر می‌شود و منظور از آن، عدم وجود مانع حسی مثل: مرض، وجود شخص ثالث حتی به صورت خواب و مانع شرعی مانند: حیض، نفاس، احرام و... است (حنفی، ۱۴۱۵: ۳/۱۲۲؛ طوسی، بی تا: ۲/۲۷۳؛ زحیلی، همان: ۲/۳۸۸).

دومین مورد از لوازم مالی نکاح، متاع است. طبق آیه ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ مَسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْقَدْرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره/۲۳۶)؛ باکی بر شما نیست اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته‌اید ولی آنها را به چیزی بهره‌مند سازید، دارا به قدر خود و نادر به قدر خویش به بهره‌ای شایسته او، که این سزاوار مقام نیکوکاران است.»

زوج موظف است در مواردی به زوجه متاع یا هدیه دهد. آیه بر طلاق بدون تعیین مهریه، حکم جواز را مرتب می‌کند که به آن تفویض بضع گفته می‌شود. طبق نظر بسیاری از مفسرین امامیه و اهل سنت است، «أو» در آیه به معنای «و او» است، لذا منطوق آیه بیانگر طلاق زوجه قبل از وطی و تعیین مهریه است که در این حالت، زوج باید به زوجه متاع پرداخت کند، اما اگر «أو» به معنای تردید باشد، آیه شامل طلاق زوجه قبل از وطی چه با تعیین و چه بدون تعیین مهریه و همچنین قبل از تعیین چه با وطی و چه بدون وطی می‌شود که در همه این چهار حالت، متاع واجب است و این یکی از اقوال «شافعی» است (کاظمی، همان: ۲۴۹/۳-۲۴۸؛ رازی، همان: ۴۷۷/۶؛ بیضاوی، همان: ۱۴۶/۱).

آخرین موضوع در لوازم مالی نکاح، نفقه است. بر اساس آیه ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾ (نسا، ۳۴)؛ مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند...» زوج مستقیماً وظیفه و مسئولیت انفاق را دارد و در صورتی که زوجه در عقد دائم زوج باشد و از وی تمکین کامل نماید، نفقه او بر زوج واجب است. همچنین با توجه به روایات متعدد و اطلاق آیه ی ﴿اسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَانْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ...﴾ (طلاق، ۶/۱)؛ آنان (زنان مطلقه) را در همان منزل خویش که میسر شماست بنشانید و به ایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید تا آنان را در مضیقه و رنج در افکنید (که به ناچار از حق خود بگذرند) و به زنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید...»

زوجه مطلقه در طلاق رجعی و بائن در صورتی که باردار باشد، اجماعاً مستحق نفقه و سکنی تا زمان وضع حمل است، اما در صورتی که باردار نباشد، طبق

مذهب امامیه، مطلقه بائن استحقاق هیچ یک از سکنی و نفقه را ندارد و نظر «احمد بن حنبل» نیز همین است، اما از دیدگاه «مالک» و «شافعی»، وی مستحق نفقه نیست، اما زوج باید او را اسکان دهد و «ابوحنیفه» نفقه و اسکان را برای او لازم می‌داند (سیوری، ۱۴۱۹: ۲/۲۱۸؛ رازی، همان: ۳۰/۵۶۴؛ قرطبی، همان: ۱۸۸/۱۶۷؛ زحیلی، همان: ۲۸/۲۸۸-۲۸۵).

نکته آخر مربوط به مقدار نفقه است که این موضوع نیز از موارد اختلافی میان فریقین است؛ بر اساس آیه ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ (طلاق/۷)؛ مرد دارا به وسعت و فراوانی، نفقه زن شیرده دهد، و آن که ندارد و تنگ معیشت است از آنچه خدا به او داده انفاق کند. که خدا هیچ کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی‌کند، و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد.

طبق نظر برخی، با توجه به جمله ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾ حال زوج در مقدار انفاق معتبر است، لذا «شافعی» معتقد است در صورت تنگ دست بودن زوج، یک مد، در صورت متوسط بودن او، یک و نیم مد و در صورت قدرت مالی او، دو مد به زوجه تعلق می‌گیرد، اما بسیاری از علماء امامیه قائلند، حال زوجه در میزان نفقه در نظر گرفته می‌شود و باید به اندازه‌ای باشد که با توجه به عرف و عادت کفایت او را بکند و در صورت تنگ دستی، زوج مقداری که می‌تواند را پرداخت نموده و با توجه به جمله ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾، مابقی به عنوان دین بر عهده او باقی می‌ماند تا بعداً آن را ادا کند (قرطبی، همان: ۱۸۸/۱۷۰؛ زحیلی، همان: ۲۸/۲۹۰؛ سیوری، همان: ۲/۲۲۰-۲۱۹).

۲-۳-۴- شقاق

در بحث لوازم غیر مالی نکاح، در شقاق اختلافاتی وجود دارد که این موضوع در آیه ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا...﴾ (نساء/۳۵)؛ و چنانچه بیم آن دارید که نزاع سخت بین آنها پدید آید، از طرف کسان مرد و کسان زن داوری برگزینید، که اگر مقصود اصلاح داشته باشند خدا میان ایشان موافقت و سازگاری برقرار کند... تبیین شده و در آن دستور به حکمیت داده شده است. در واگذاری امر به حکمین دو نظر وجود دارد: طبق دیدگاه اکثر امامیه و یکی از نظرات «شافعی»، این امر از باب تحکیم است، بنابراین در جواز و تنفیذ اصلاح امر توسط حکمین، نیازی به اذن زوجین نیست، جز در مورد طلاق که در آن روایت وجود دارد، اما مطابق با دیدگاه برخی دیگر از اهل سنت مانند «ابوحنیفه»، امر مذکور از باب توکیل است و تنفیذ حکم بر اساس آن، منوط به اجازه دادن زوجین است (سیوری، همان: ۲/۲۱۴؛ رازی، همان: ۱۰/۷۴).

۲-۳-۵- نگاه

به جز لوازم نکاح، موضوع نگاه و برخی از احکام وطی که از متعلقات نکاح هستند، نیز در مواردی از مسائلی اختلافی مذاهب اسلامی می‌باشند. از مجموع بحث نگاه، دو نگاه مستقیماً با نکاح مرتبط است:

مورد اول: نگاه زوج به زوجه و بر عکس که هر دو می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند. مورد دوم: نگاه به مخطوبه که طبق نظر مالکیان و شافعیان با توجه به جمله **«الْمَأْطَهَرُ مِنْهَا»** (نور/۳۱)؛ نگاه فقط به مواضع ظاهر که بر اساس روایات، منظور صورت و دستها تا میچ است، جایز می‌باشد و طبق نظر حنابله، آنچه را که عادتاً آشکار است، می‌توان نگاه نمود و از دیدگاه احناف، به غیر از وجه و کفین، نگاه به دو پا تا میچ نیز جایز است. دیدگاه علماء امامیه در این زمینه مختلف است، اما با توجه به روایات موجود در این باب، بسیاری معتقدند نگاه به آنچه که جزء محاسن زن بوده و در مقدار مهریه تأثیر گذار است، به شرطی که از حد و کیفیت متعارف تجاوز نکند و از روی لباس نازک باشد، جایز است (اندلسی، همان: ۴/۲؛ سدیس، ۱۴۲۵: ۲۲۸-۲۲۷؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲/۲۲۱؛ سبحانی، همان: ۱۶/۱-۱۵).

۲-۳-۶- نحوه‌ی آمیزش

موضوع اختلافی دوم، مربوط به یکی از احکام وطی است که در حکم آن در صور مختلف، تفاوت دیدگاه است. با توجه به آیه **«سَأُكْرِمُكُمْ كُرْمًا فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...»** (بقره/۲۲۳)؛ زنان شما کشتزار شمایند، پس (برای کشت فرزند صالح) بدانها نزدیک شوید هرگاه (مباشرت آنان) خواهید...»

حرث بودن به زنان نسبت داده شده که یا منظور این است که زنان مانند کشت هستند و یا به معنای آن است که خداوند زنان را به کشتزاری تشبیه فرموده که بذر آن نطفه و محصول آن فرزند است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۱۰/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲/۱۶۲). اشکالی اساسی در تفسیر کلمه ی «أَنَّى» است که از دیدگاه مفسران و فقهای امامیه و اهل سنت در معنای آن اختلاف وجود دارد.

طبق دیدگاه بسیاری از علماء امامیه که با روایات شأن نزول آیه همخوانی دارد، «أَنَّى» ظرف مخصوص مکان به معنای «این» یا «من این» است و گاهی برای زمان هم استفاده می‌شود، لذا در این آیه اصل بر این است که در معنای مکان استعمال شده و با این تفسیر، جواز آمیزش از راه دُبُر (پشت) یا از پشت به جلو اثبات می‌شود (طوسی، بی‌تا: ۲/۲۲۳؛ نجفی، بی‌تا: ۲۹/۱۰۸).

بسیاری از فقها و مفسرین اهل سنت، «أَنَّى» را حمل بر معنای مجازی آن و دالّ

برکیفیت دانسته اند، با این وصف که طبق این آیه، آمیزش می تواند به انحاء مختلف مثل: نشسته، خوابیده، خمیده و... صورت گیرد. لذا اکثر علمای اهل سنت به جز «مالک بن انس» قائل به حرمت نزدیکی با زوجه از طریق پشت شده اند (زمخشری، همان ۲۶۶/۱؛ آلوسی، همان: ۱۸۸/۲؛ ابن عاشور، بی تا: ۳۵۳/۲).

برخی از مفسرین فریقین، «اُتی» را ظرف زمان دانسته و بر این اساس، آیه را چنین تفسیر کرده اند که هر زمانی از شب و روز که خواستید با همسرانتان آمیزش کنید، در نتیجه این آیه مربوط به زمان نزدیکی بوده و از مکان منصرف است و قرائن و روایاتی نیز در این زمینه و حرمت وطی از پشت وجود دارد (مغنیه، همان: ۸/۳۳۷؛ قلمونی، ۱۹۹۰: ۲۸۸/۲؛ جصاص، همان: ۳۹/۲). امامیه میان روایات جواز و حرمت به چند صورت جمع نموده اند؛ با این بیان که روایات حرمت، حمل بر صورت عدم رضای زوجه یا حمل بر کراهت شدید و یا حمل بر تقیه می شود، زیرا در میان فقهای اهل سنت، فقط «مالک بن انس» فتوی به جواز داده است (نجفی، همان: ۱۰۷/۲۹؛ کاظمی، همان: ۳۰۲/۲؛ قرطبی، همان: ۹۴/۳-۹۳).

نتیجه

از مجموع تحقیق حاضر، نتایج زیر حاصل می شود:

- ۱- در هر سه محور مشروعیت، محرمات و لوازم و توابع نکاح، دیدگاه های متعددی، مبتنی بر استناد به معانی مفردات آیات، سیاق آیات، برخی روایات و... ظهور یافته که برخی منجر به اختلافات تفسیری فریقین شده است.
- ۲- در تفسیر برخی آیات، میان مذاهب چهارگانه اهل سنت، اختلاف رأی وجود دارد و برخی، هم رأی با امامیه و برخی مخالفند. ظاهر آن است که به تفکیک در مواضع مختلف، رأی مذهب حنفی با دیگر مذاهب تفاوت بیشتری دارد.
- ۳- از دیدگاه نگارنده، گرچه اختلافاتی در هر سه محور مذکور وجود دارد، اما اولاً بیشتر اختلافات در جزئیات و به صورت درون مذهبی است، بنابراین ناشی از تقابل مبانی فریقین نیست و ثانیاً در اختلافات کلی مانند ازدواج موقت نیز امکان تقرب وجود دارد، زیرا در نزد بسیاری از اهل سنت، نکاح مسیار با قوانین و شرایط شبیه به عقد موقت، جایز و مباح است.

منابع

- قرآن کریم (ترجمه مهدی الهی قمشه ای)
۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۵ق): «لسان العرب»، قم: نشر ادب الحوزه.
 ۲. امینی، عبدالحسین (۱۳۵۳): «الغدیر»، ترجمه جمال موسوی، بی جا: نشر ایرانمهر.
 ۳. اصبحی، مالک بن انس (۱۴۰۶): «الموطأ»، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بی جا: دار احیاء التراث العربی.
 ۴. امینی تهرانی، محمد، میردامادی نجف آبادی، سیدعلی، عباسی، فرهاد، عباس، سیدعلی (۱۴۰۲): «بررسی مسئله صوت حسن و تحزین در روایات فریقین»، مطالعات قرآنی، ۱۱(۲۰)، ۲۰۳-۲۳۱. doi: ۲۰۲۳/۸۴۵۸.qer/۲۰۲۳/۸۴۵۸۱۰۲۰۲۳۴.qer/۱۰۲۰۲۳۴
 ۵. اندلسی، ابن رشد (۱۴۱۵): «بدایه المجتهد و نهایه المقتصد»، تصحیح خالد عطار، بیروت: دار الفکر.
 ۶. ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶): «التسهیل لعلوم التنزیل»، تحقیق عبدالله خالدی، بیروت: دار الأرقم، چاپ: اول.
 ۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا): «التحریر و التنبیر»، چاپ: اول بیروت: مؤسسه التاریخ.
 ۸. آلوسی، محمود (۱۴۱۵): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق علی عبد الباری عطیه، چاپ: اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۹. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱): «صحیح البخاری»، بی جا: دارالفکر.
 ۱۰. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰): «معالم التنزیل فی تفسیر القرآن»، تحقیق عبد الرزاق المهدی، چاپ: اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸): «انوار التنزیل و اسرار التأویل»، چاپ: اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۲. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲): «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن»، تحقیق ابو محمد بن عاشور، چاپ: اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷): «الصحاح»، تصحیح احمد عبدالغفور (عطار)، چاپ: چهارم، بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۱۴. جباران، محمدرضا (۱۳۸۳): «ازدواج با بیگانگان»، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۱۵. حصاص، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۰۵): «أحكام القرآن»، تحقیق محمد صادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۶. حاکم نیشابوری ابو عبدالله (بی تا): «المستدرک»، تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۷. حسینی روحانی، صادق (۱۴۱۲): «فقه الصادق علیه السلام»، چاپ: اول، قم: دار الکتب.
 ۱۸. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (بی تا): «تذکره الفقهاء (ط. ق.)»، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۸ق.
 ۱۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳): «مختلف الشیعه فی احکام الشریعه»، چاپ: دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
 ۲۰. حنفی، ابن عابدین (۱۴۱۵): «حاشیه رد المحتار علی الدر المختار»، بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
 ۲۱. دمشقی، ابن کثیر اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹): «تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق محمد حسین شمس الدین، چاپ: اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۲۲. ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۸۲): «میزان الاعتدال»، تحقیق علی محمد بجاوی، چاپ: اول، بیروت: دار المعرفه.

۲۳. رازی، عبدالرحمن ابن ابی حاتم (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم»، به تصحیح اسعد محمد طیب، (چاپ سوم)، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۲۴. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰): «التفسیر الکبیر»، چاپ: سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. زحیلی، وهبه (بی تا): «الفقه الاسلامی وادلتہ»، دمشق: دار الفکر.
۲۶. زحیلی، وهبه (۱۴۱۸): «تفسیر المنیر فی العقیدہ و الشریعہ و المنہج»، (چاپ دوم)، بیروت: دار الفکر المعاصر.
۲۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷): «الکشاف عن حقائق التنزیل»، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، چاپ: سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۸. سائیس، محمد علی (بی تا): «تفسیر آیات الأحکام»، تحقیق ناجی ابراهیم سویدان، چاپ: اول، بیروت: مکتبه العصریه.
۲۹. سبحانی، جعفر (۱۴۱۷): «نظام النکاح فی الشریعہ الاسلامیہ الغراء»، چاپ: اول، قم: مؤسسه نشر امام صادق علیه السلام.
۳۰. سدیس، محمد بن عبدالعزیز (۱۴۲۵): «مقدمات النکاح (دراسه المقارنه)»، مدینه: الجامعه الإسلامیه بالمدينه المنوره.
۳۱. سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۶): «المبسوط»، بیروت: دار المعرفه.
۳۲. سیوری، فاضل مقداد (۱۴۱۹): «کنز العرفان فی فقه القرآن»، تحقیق سید محمد قاضی، چاپ: اول، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
۳۳. سیوطی، جلال الدین (بی تا): «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر،
۳۴. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۳): «کتاب الأم»، چاپ: دوم، بی جا: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
۳۵. شربینی، محمد بن احمد (۱۳۷۷): «مغنی المحتاج إلى معرفه معانی الفاظ المنہاج»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. شبیبانی، احمد بن حنبل (بی تا): «المسند»، بیروت: دار صادر.
۳۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷): «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه مترجمان، چاپ: پنجم، قم: دفتر انتشارات مدرسین حوزه علمیه.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ترجمه مترجمان، چاپ: اول، تهران: فراهانی.
۳۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، چاپ: اول، بیروت: دار المعرفه.
۴۰. طرابلسی، ابن براج (۱۴۰۶): «المهذب»، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷): «الخلاف»، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «المبسوط فی الفقه الإمامیه»، تصحیح محمد تقی کشفی، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة.
۴۴. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۳): «زواج المتعه»، چاپ: اول، بیروت: المركز الإسلامی للدراسات.
۴۵. عکبری بغدادی، محمد بن محمد (۱۴۱۳): «المقنعه»، چاپ: اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۴۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰): «تفسیر عیاشی»، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ: اول، تهران: چاپخانه علمیه.
۴۷. فاروقی، حارث سلیمان (۱۹۹۱م): «المعجم القانونی»، چاپ: سوم، بیروت: مطابع تبیو پریس.
۴۸. فاکر میبیدی، محمد (۱۳۸۶ش): «باز پژوهی آیات فقهی قرآن»، چاپ: اول، تهران: سازمان انتشارات

- و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۹. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴): «الجامع لأحكام القرآن»، چاپ: اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۵۰. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا): «الجامع الصحیح (صحیح مسلم)»، بیروت: دار الفکر، قلمونی، محمد رشید بن علی رضا (۱۹۹۰): «تفسیر المنار»، قاهره: الهیئه المصریه.
۵۲. قلجی، محمد (۱۴۰۸ق): «معجم لغه الفقهاء»، چاپ: دوم، بیروت: دار النفاثس.
۵۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳): «تفسیر قمی»، چاپ سوم، تحقیق طیب موسوی جزائری، قم: دار الكتاب.
۵۴. کاظمی، جواد بن سعد (۱۳۶۵): «مسالك الأفهام الى آیات الأحكام»، چاپ: دوم، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۵۵. مصری، ابن نجیم (۱۴۱۸): «البحر الرائق»، چاپ: اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱): «نظام حقوق زن در اسلام»، چاپ: سی و دوم، تهران: صدرا.
۵۷. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴): «تفسیر الکاشف»، چاپ: اول، تهران: دارالکتب العربی.
۵۸. مقدسی، عبدالله بن قدامه (بی تا): «المغنی»، بیروت: دار الکتب العربی للنشر و التوزیع.
۵۹. موصلی، ابن اثیر (۱۳۶۴ق): «النهایه فی غریب الحدیث و الأثر»، به تحقیق طاهر احمد الزاوی، (چاپ چهارم)، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۶۰. موسوی، علی بن حسین (سید مرتضی) (۱۴۱۵): «الینتصار فی انفرادات الإمامیه»، چاپ: اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶۱. موسوی، محمد بن حسین (سید رضی) (۱۴۰۶): «حقائق التأویل فی متشابه التنزیل»، چاپ: اول، بیروت: دار الأضواء.
۶۲. موسوی مقدم، سید محمد، مدرسی مصلی، سید منصوره (۱۳۹۸): «بررسی مقاله «نکاح و طلاق» از دایرهالمعارف قرآن لیدن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۴(۲۶)، ۱۵۷-۱۷۵. doi: 10.2234/10.2234.2019.2746.kh/10.2234.2019.2746.kh
۶۳. نجفی، محمد حسن (بی تا): «جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام»، تصحیح عباس قوچانی، چاپ: هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۴. نووی، محی الدین (بی تا): «المجموع شرح المهذب»، بی جا: دار الفکر.
۶۵. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸): «مستدرک الوسائل»، چاپ دوم، بی جا: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

References

Holy Qur'an (with the translation of Mahdi Ilahi Ghomshei)

1. 'Akbari Baghdadi, Muḥammad ibn Muḥammad (1413 AH): "Al-Muqni'ah", Qom: Sheikh Mufid Millennium World Congress, first edition.
2. 'Āmili, Ja'far Murtaḍa (1423 AH): "Ziwāj al-Mut'a", Beirut: Islamic Center for Studies, first edition.
3. 'Ayyashi, Muḥammad ibn Mas'ūd (1380 AH): "Tafsīr 'Ayyashi", Annotator: Seyyed Hashem Rasūli Mahallati, Tehran: Ilmiyyah Press, first edition.
4. Ālūsī, Seyyed Maḥmūd (1415 AH): "Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān. Annotator: Ali Abd al-Bāri 'Atiyya", Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, first edition.
5. Amini, Abd Al-Hossein (1353 SH): "Al-Ghadīr", Translator: Jamal Mousavi, N.P: Iranmehr Publishing House.
6. Amini Tehrani, Mohammad, Mirdamadi Najaf Abadi, Seyyed Ali, Abbasi, Farhad, Abbas, Seyed Ali (1402 SH): "Barresī mas'ale sawt ḥasan wa taḥsīn dar riwāyāt Fariqain" [Investigation of the issue of the melodious sound and Tahzin in the narratives of the two schools of thought", Journal of Moṭālihāt Qirā'āt Qur'an, 7 (20), 203-231. doi: 10.22034/qer.2023.845810.22034/qer.2023.8458.
7. Andalusī, Ibn Rushd (1415 AH): "Bidāyat Al-Mujtahid wa Nihāyat al-Muqtaṣad", Annotator: Khālid 'Attar, Beirut: Dār al-Fikr.
8. Aṣbahi, Mālik ibn Anas (1406 AH): "Al-Muwatta", Annotator: Muḥammad Fu'ad Abd al-Bāqī, N.P: Dār Iḥyā Al-Turāth al-Arabi.
9. Baghawī, Ḥussein Ibn Mas'ūd (1420 AH): "Mu'alim Al-Tanzīl fī Tafsīr al-Qur'ān", Annotator: Abdul Razzaq Al-Mahdi, Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth al-Arabi, first edition.
10. Beyḍāwī, 'Abd Allah ibn 'Umar (1418 AH): "Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl", Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth Al-'Arabī, first edition.
11. Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā'il (1401 AH): "Ṣaḥīḥ al-Bukhārī", N.P: Dār al-Fikr.
12. Dhahabī, Muḥammad ibn Aḥmad (1382 AH): "Mizān Al-I'tidāl", Annotator: 'Ali Muḥammad Bajavi, Beirut: Dār Al-Ma'rifah, first edition.
13. Fākir Meybodi, Muḥammad (1386 SH): "Bāz Pajūhi Āyāt Figḥi Qur'ān", Tehran: Publishing Organization and Research Institute of Islamic Culture and Thought, first edition.
14. Fārūqī, Ḥārith Suleiman (1991 AD): "Al-Mu'jam al-Qānūnī", Beirut: Tipō Press, third edition.
15. Ḥākīm Neishabūri, Abu 'Abd Allah (n.d): "Al-Mustadrak", Annotator: Yusuf Abd Al-Rahman Al-Marashli, Beirut: Dār Al-Ma'rifah.
16. Ḥanafī, Ibn 'Ābidīn (1415 AH): "Hāshiyah Radd Al-Muḥtār 'ala Al-Darr Al-Mukhtār", Beirut: Dār al-Fikr Printing, Publishing and Distribution House.
17. Hilli, Ḥassan ibn Yusuf (1388 AH): "Tadhkirat al-Fuqahā", Qom: Al-Bayt Institute, first edition.
18. Hilli, Ḥassan ibn Yusuf (1413 AH): "Mukhtalaf al-Shi'at fī Aḥkām al-Sharī'at", Qom: Intisharāt Islami, Jāmiyah al-Mudarrisīn, second edition.
19. Hosseini Ruḥāni, Ṣādiq (1412 AH): "Fiḥ al-Ṣādiq", Qom: Dār al-Kitab, first edition.

20. Ibn 'Āshūr, Muḥammad Ṭāhir (n.d): "Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr Beirut: Mu'sasat Tārikh al-Arabi", first edition.
21. Ibn Jazī, Muḥammad ibn Aḥmad (1416 AH): "Al-Tashīl li 'Ulūm Al-Tanzīl", Annotator: Abd Allah Khālidi, Beirut: Dār al-Arqam, first edition.
22. Ibn Kathīr, Ismā'īl ibn 'Umar (1419 A.H): "Tafsīr al-Qur'an al-Azīm", Annotator: Muḥammad Hussein Shamsuddin, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, first edition.
23. Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram (1405 AH): "Lisān al-'Arab", Qom: Adab al-Hawazah Publications.
24. Jabbārān, Mohammadreza (1383 SH): "Izdvaj bā biḡāniḡān", Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
25. Jaṣṣāṣ, Abu Bakr Aḥmad ibn 'Ali (1405 AH): "Aḥkām al-Qur'ān", Annotator: Muḥammad Ṣādiq Qomhawi, Beirut: Dār Iḡyah al-Turāh al-Arabi.
26. Jawhari, Abu Naṣr (1407 AH): "al-Ṣiḡḡah Ṭāj al-Lughat wa Ṣiḡḡah al-'Arabiyyah", Annotator: Aḥmad Abd Al-Ghafur, Beirut: Dār al-Ilm Li al-Malayin, fourth edition.
27. Kadhimi, Javad ibn Sa'ad (1365 SH): "Masālik al-Afhām ila Āyāt al-Aḥkām", second edition, Tehran: Murtaḡawi Bookstore.
28. Miṣri, ibn Najim (1418 AH): "Al-Baḡr al-Rā'iḡ", Beirut: Dār al-Kitab al-Alamiyya, first edition.
29. Mosuli, ibn Athīr (1364 A.H.): "Al-Nihāyat fī Gharīb al-Hadith wa Al-Athar", Annotator: Ṭāhir Aḥmad Al-Zāwi, Qom: Ismailiyan Institute, fourth edition.
30. Motahari, Morteza (1381 SH): "Nizām Ḥuqūq Zan dar Islam", Tehran: Sadra Publication, 32nd edition.
31. Mughniyeh, Muḥammad Jawād (1424 AH): "Tafsīr al-Kāshif", Tehran: Dār al-Kitab al-'Arabi, first edition.
32. Muḡaddasi, 'Abd Allah ibn Qudamah (n.d): "Al-Mughni", Beirut: Dār al-Kutub al-'Arabi for publishing and distribution.
33. Musawi, 'Ali ibn Hossein (Seyyed Morteza) (1415 AH): "Al-Intiṣār fī Infirādāt al-Imamiyyah", Qom: Intisharāt Islami, Jāmiyah al-Mudarrisīn, first edition.
34. Mousavi Moghadam, Seyyed Mohammad, Maddarisi Musalla, Seyyed Mansoura (1398 SH): "Barresī maqāle "Nikāḡ wa Ṭalāk" az Dāirat al-Ma'ārif Qur'an Liden" [Examination of the entry "Marriage and Divorce" from the Leiden Qur'anic Encyclopaedia], Journal of Qur'anic Studies of Orientalists, 14 (26), 157-175. doi: 10.22034/qkh.2019.2746.
35. Musawi, Muḥammad ibn Hossein (Seyyed Razi) (1406 AH): "Ḥaḡā'iḡ al-Ta'wīl fī Mutashabih al-Tanzīl", Beirut: Dār al-Aḡwā', first edition.
36. Najafi, Muḥammad Ḥassan (n.d): "Jawāhir al-Kalām fī Sharḡ Sharā'e al-Islam", Annotator: Abbas Qochani, Beirut: Dār Iḡyā Al-Turāth al-Arabi, seventh edition.
37. Nuri Ṭabarsi, Hussein (1408 AH): "Muṣṭadrak al-Wasa'īl", N.P: Al-Al-Bait Institute for Revival of Tradition, second edition
38. Nuwi, Muḡy al-Dīn (n.d): "Al-Majmu' Sharḡ al-Muhadhhab", N.P: Dār al-Fikr.
39. Qal'aji, Muḥammad (1408 A.H.): "Mu'jam Lughat Al-Fuḡahā", Beirut: Dār

Al-Nafā'is, second edition.

40. Qalamuni, Muḥammad Rashid ibn Alireza (1990): "Tafsīr al-Manār", Cairo: Al-Hayhat al-Misriyyah.

41. Qashiri Neishabūri, Muslim ibn Hajjaj (n.d): "Al-Jāmi' u Al-Ṣaḥīḥ (Ṣaḥīḥ Muslim)", Beirut: Dār Al-Fikr.

42. Qummi, Ali ibn Ibrahim (1363 SH): "Tafsīr Qummi", Annotator: Tayyib Mousavi Al-Jaza'iri, Qom: Dār Al-Kitāb, third edition.

43. Qurtubī, Muḥammad ibn Aḥmad (1364 SH): "Al-Jāmi' u li-Aḥkām al-Qur'ān", Tehran: Nasser Khosro, Publications, first edition.

44. Rāzī, Abd Al-Rahman ibn Abi Ḥātim (1419 AH): "Tafsīr al-Qur'an al-Azīm", Annotator: As'ad Muḥammad Tayyib, Riyadh: Maktabah Nizār Muṣṭafa Al-Baz, third edition.

45. Rāzī, Fakhr al-Dīn (1420 AH): "Al-Tafsīr Al-Kabīr", Beirut Dār Iḥyah al-Turāh al-Arabi, third edition.

46. Sarakhsi, Shams al-Din (1406 AH): "Al-Mabsūt", Beirut: Dār al-Ma'rifah.

47. Sāyis, Muḥammad 'Ali (n.d): "Tafsīr Āyat al-Aḥkām", Annotator: Nāji Ibrahim Suwaydan, Beirut: Maktab al-Asriya, first edition.

48. Sayuri, Fāḍil Miqdād (1419 AH): "Kanz Al-Irfān fī Fiqh Al-Qur'ān", Annotator: Seyyed Muḥammad Ghazi, Tehran: Majma' Taqrib Madha'ib Islami, first edition.

49. Shafi'i, Muḥammad ibn Idris (1403 AH): "Kitāb al-Umm", N.P: Beirut: Dār al-Fikr Printing, Publishing and Distribution House, second edition.

50. Sharbini, Muḥammad ibn Aḥmad (1377 AH): "Mughni al-Muḥtāj ila Ma'rifat Ma'āni al-Al-fāz al-Minhāj", Beirut: Dār Iḥyah al-Turāh al-Arabi.

51. Sheibani, Aḥmad ibn Hanbal (n.d): "Al-Musnad, Beirut: Dār Sādir.

52. Soddis, Muḥammad ibn Abdul Aziz (1425 AH): "Muqaddamāt al-Nikāḥ: Dirāsāt al-Muqāranah", Medina: Al-Jamia'at al-Islamiyyah.

53. Subhani, Ja'far (1417 AH): "Nizām al-Nikāḥ fī al-Shar'at al-Islamiyyat al-Gharrā'", Qom: Imam Ṣādiq (as) Publishing Institute, first edition.

54. Suyūti, Abd Al-Raḥman ibn Abi Bakr (n.d): "Al-Durr al-Manthūr Fī al-Tafsīr al-Mathūr", Beirut: Dār al-Ma'rifah.

55. Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr (1412 AH): "Jāmi' u al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān. Beirut: Dar al-Ma'rifah, first edition.

56. Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan (1360 SH): "Majma' Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān", Translator: A group of translators, Tehran: Farahani, first edition.

57. Ṭabāṭabāi, Muḥammad Ḥusayn (1417 AH): "Al-Mīzān Fī al-Tafsīr al-Qur'ān", Translator: A group of translators, Qom: Intisharāt Islami, Jāmiyah al-Mudarrisīn, fifth edition.

58. Tha'alabi Neishabūri, Abu Ishāq Aḥmad ibn Ibrahim (1422 A.H): "Al-Kashf wa al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān", Annotator: Abu Muḥammad Ibn Ashūr, Beirut: Dār Iḥyah al-Turāh al-Arabi.

59. Tripolisi, Ibn Baraj (1406 AH): "Al-Muhadhdhab", Qom: Daftar Intisharāt Islami.

60. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan (1407 AH): "Al-Khilāf", Qom: Daftar Intisharāt Islami, Jāmiyah al-Mudarrisīn.

سال هشتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

61. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan (n.d): "Al-Mabsūt fī al-Fiḡh al-Imamiyyah", Annotator: Muḥammad Taqqī Kashfī, Tehran: al-Maktabah al-Murtaḏawya li Iḥyā Al-Turāth Al-Ja'afariyyah.
62. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan (n.d): "Al-Tibyān fī Tafsīr al- Qur'ān. Annotator: Aḥmad ibn Qasir", Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth Al-'Arabī.
63. Zamakhsharī, Maḥmūd ibn 'Umar (1407 AH): "Al-Kashshaf 'an Ḥaqā'iq ghawamid al-Tanzil wa 'uyun al-Aqāwīl fī wujuh al-Ta'wīl", Annotator: Muḥammad Abd Al-Rahman MarAshili, Beirut: Dār Al-Kitab Al-'Arabī, third edition.
64. Zuḥaylī, Wahbat Ibn Muṣṭafa (1418 AH): "Al-Tafsīr Al-Munīr fī al-'Aqīdat wa al-Sharī'at wa al-Minhaj", Beirut: Dār al-Fikr al-Ma'āshir, second edition.
65. Zuḥaylī, Wahbat Ibn Muṣṭafa (n.d): "Al-Fiḡh Al-Islami wa Adillatuhu", Damascus: Dār al-Fikr.

سال هشتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۲